

بررسی تأثیر ارزش‌های مقدس اخلاقی بر تصمیم‌گیری، دشواری تصمیم و احساسات ناشی از تصمیم‌گیری (مطالعه‌ی موردی: در دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان)

محمد رحیم رمضانیان^۱، عباس صادقی^۲، رضا پورجانی^۳

چکیده: مقوله تصمیم‌گیری، عوامل تأثیرگذار بر آن و نتایج حاصل از اتخاذ تصمیم همواره مورد علاقه پژوهشگران بوده است. هدف این پژوهش، شناسایی تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر تصمیم‌گیری، دشواری تصمیم و احساسات منفی ناشی از آن است. بر این اساس تعداد ۲۸۸ نفر از دانشجویان دانشگاه گیلان به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه استاندارد جهت سنجش این مقولات به آن‌ها داده شد. این پرسشنامه شامل سه بده بستان تراژیک (دو ارزش اخلاقی در مقابل هم)، تابو (یک ارزش اخلاقی در مقابل یک ارزش دنیوی) و عادی (دو ارزش دنیوی در مقابل هم) است. متغیرهای مستقل تحقیق، ارزش‌های اخلاقی و نوع بده بستان و متغیرهای وابسته، احساسات منفی و دشواری تصمیم هستند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، پاسخگویان بده بستان تراژیک را نسبت به دو بده بستان دیگر دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر درک کرده‌اند. اما بر خلاف انتظار، پاسخگویان بده بستان تابو را نسبت به بده بستان عادی آسان‌تر درک نکرده‌اند. همچنین دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر در برخی موارد موقعیت‌ها را دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر دانسته‌اند. نتایج، این عقیده را پشتیبانی می‌کند که ارزش‌های اخلاقی بر تصمیم‌گیری و مقوله‌های منتج از آن تأثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: تصمیم‌گیری، ارزش‌های مقدس اخلاقی، دشواری تصمیم، احساسات منفی

۱- استادیار گروه مدیریت دانشگاه گیلان، ایران

۲- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه گیلان، ایران

۳- کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه گیلان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۹/۴/۱۲

نویسنده مسئول مقاله: رضا پورجانی

Email: reza_pourjahani@yahoo.com

مقدمه

تصمیم‌گیری در ساده‌ترین شکل آن یعنی انتخاب. وقتی بر سر چند راهی قرار می‌گیریم، مسئله تصمیم‌گیری مطرح می‌شود. بدیهی است مفاهیم در طول تاریخ، در هر مکان و با توجه به شرایط فرهنگی دارای ویژگی‌های کمابیش متفاوتند که نمی‌توانند عیناً در شرایط دیگری مصداق پیدا کنند. موضوع تصمیم‌گیری از چنین پویایی سیستماتیک برخوردار است و بررسی پدیده‌های مربوط به آن را باید به نحوی در نظر گرفت. می‌توان گفت که تصمیم‌گیری از زمان جنگ جهانی دوم به بعد با روش‌های تحقیق در عملیات، تجزیه و تحلیل آماری و برنامه‌ریزی کامپیوتری به صورت عملی در علم مدیریت به مفهوم جدید و سیستمی وارد شده است و صرفاً در سالیان اخیر است که به طریق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به بررسی آن به صورت کیفی اقدام شده و پاره‌ای مطالعات توجه خود را به جنبه‌های رفتاری و فرآیندهای پیچیده روانی - اجتماعی مربوط به آن معطوف داشته‌اند. تصمیم‌گیری یک استراتژی صرفاً فردی نیست؛ بلکه یک استراتژی گروهی - اجتماعی برای یافتن پاسخی مطلوب برای موقعیتی خاص که مشکلی در آن وجود دارد تلقی می‌شود؛ بنابراین فرآیند تصمیم‌گیری باید برای عمل، انتخاب‌های افراد را در یک شبکه ارتباطی قرار دهد [۲].

ما در این مقاله برآنیم که به مقوله ارزش‌های مقدس اخلاقی و نقش آن در تصمیم‌گیری پردازیم. انسان‌ها در زندگی روزمره خود با مسایل زیادی مواجه هستند که باید در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کنند و اکثر آن‌ها به فرآیند تصمیم‌گیری و عوامل تأثیرگذار بر انتخاب راه‌حل مطلوب توجه نمی‌کنند. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌ای که موقعیت‌های تصمیم‌گیری مختلفی را ارائه کرده است، تأثیر و نقش ارزش‌های مقدس را بر دشواری تصمیم و احساسات ناشی از تصمیم‌گیری در افراد سنجیده‌ایم.

ادبیات پژوهش

تصمیم‌گیری همیشه از ابتدا به عنوان بخشی جداناپذیر از مدیریت، در ادبیات مدیریت مطرح بوده است؛ ولی به دلیل تأکید بیش از اندازه نظریه پردازان کلاسیک که تصمیم‌گیری را حقی برای مدیر در سازمان به شمار می‌آوردند، تحقیق و پژوهش درباره جنبه‌های

رفتاری تصمیم‌گیری، بسیار اندک و ناچیز بوده است اما با آغاز دهه ۱۹۵۰ شاهد حرکت و فعالیتی در این زمینه هستیم و در این مقطع است که تحقیق و پژوهش درباره ماهیت، فرآیند و تئوری‌های تصمیم‌گیری، شتابی محسوس و قابل ملاحظه به خود می‌گیرد [۴]. تصمیم‌گیری یعنی شناسایی و اقدام یک عمل برای دست یافتن به یک مسئله خاص با بهره‌برداری از یک فرصت خاص. تصمیم‌گیری با مسایل سروکار دارد. هنگامی که یک وضع موجود و واقعی با وضع یا حالت مطلوب متفاوت باشد، یک مسئله به وجود می‌آید. در بسیاری از موارد امکان دارد، مسئله به صورت نوعی فرصت باشد که به اصطلاح در لباس مبدل پدیدار شده باشد [۱].

الگوهای تصمیم‌گیری

این الگوها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. الگوهای توصیفی

۲. الگوهای هنجاری

الگوهای توصیفی واقعیت‌ها را ترسیم و توصیف می‌کنند و پایگاه حرکتی آن‌ها آنچه هست، می‌باشد، اما الگوهای هنجاری باید‌ها را مطرح می‌کنند. بر مبنای این الگوها دو نوع نظریه تصمیم‌گیری وجود دارد:

۱. نظریه کلاسیک یا نظریه اقتصادی تصمیم‌گیری (economic man)

۲. نظریه اداری یا نظریه تصمیم‌گیری در مدیریت (administrative man)

نظریه کلاسیک قدیمی‌ترین نظریه تصمیم‌گیری است. مفروضات این نظریه از قرار زیر است:

تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان، وجود اطلاعات لازم و کافی، آزادی عمل انتخاب‌کننده، مشخص بودن معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری برای کسب حداکثر منافع. تصمیم‌گیری اداری از یافته‌های سایمون است و به همین جهت جایزه نوبل را در اقتصاد برده است. مفروضات این نظریه به شرح زیر است:

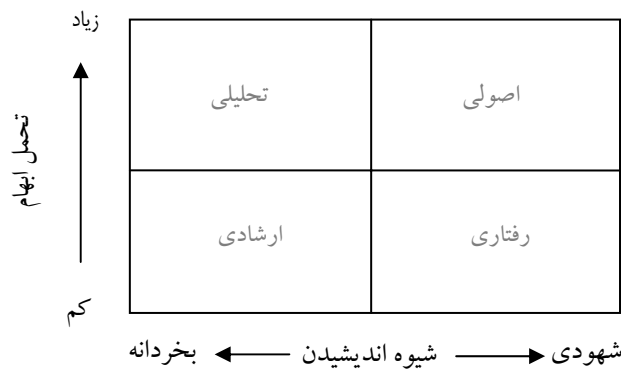
فقدان شرایط مطمئن، محدودیت اطلاعات، دخالت ارزش‌ها، عدم امکان تعیین تمام راهکارها و محدودیت آزادی عمل در انتخاب.

با توجه به این محدودیت‌ها، سایمون پیشنهاد می‌کند که به جای الگوی هنجاری تصمیم‌گیری که باید‌ها را تجویز می‌کند، باید از الگوی توصیفی تصمیم‌گیری که هست‌ها را معلوم می‌دارد استفاده کرد. به نظر وی در نظریه تصمیم‌گیری اداری به جای تکیه بر تعقل عینی، مدیر بر تعقل ذهنی تکیه دارد و مراد از تعقل ذهنی نوعی تعقل است که در چارچوب ذهنی مدیر که متأثر از ارزش‌ها، طرز فکر و تلقی، تجارب، دانش، امکانات و محدودیت‌ها است، شکل می‌گیرد [۲].

سبک تصمیم‌گیری

سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عاداتی است که آن‌ها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند. به عبارت دیگر سبک تصمیم‌گیری هر فرد رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه‌ی تصمیم‌گیری خود است. تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی و اجتنابی، چهار سبک تصمیم‌گیری هستند که توسط اسکات و بروس سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری معرفی شده‌اند [۶].

از دیدگاه رابینز نیز چهار شیوه‌ی تصمیم‌گیری، برای هر فرد تصمیم‌گیرنده کاربرد دارد. الگوی ارایه شده بر پایه این شناخت قرار دارد که افراد از دو دیدگاه (دو بعد) با هم متفاوتند. نخست براساس شیوه‌ی اندیشیدن. برخی منطقی و بخردانه می‌اندیشند و اطلاعات را به صورت گام به گام و مرحله‌ای مورد پردازش قرار می‌دهند. از سوی دیگر برخی قضاوت شهودی می‌کنند و در بسیاری از موارد از موهبت خلاقیت استفاده می‌کنند. این افراد کل موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند. در بعد دیگر به مسئله بردباری در برابر پدیده ابهام توجه می‌شود. برخی از افراد احساس می‌کنند و چنین می‌اندیشند که ساختار اطلاعات باید به گونه‌ای باشد که میزان ابهام به پایین‌ترین حد ممکن برسد، برخی هم می‌توانند در یک زمان چندین نوع فکر را در هم بیامیزند و تصمیم بگیرند. با رسم این ابعاد ۴ شیوه تصمیم‌گیری به دست می‌آید که عبارتند از: ارشادی - تحلیلی - نظری - رفتاری.



نمودار ۱. الگوهای سبک تصمیم‌گیری [۵]

- کسانی که از شیوه ارشادی، رهبری یا دستوردهی استفاده می‌کنند در برابر اطلاعات مبهم، بردباری و شکیبایی ندارند و همواره در پی تصمیمات بخردانه و معقول هستند. افرادی که در تصمیم‌گیری از چنین روشی استفاده می‌نمایند، به سرعت عمل می‌کنند و اغلب به دوره‌های کوتاه‌مدت توجه می‌نمایند.
- کسانی که در تصمیم‌گیری، از شیوه تحلیلی استفاده می‌کنند؛ در مقایسه با کسانی که در تصمیم‌گیری شیوه ارشادی یا دستوردهی دارند، در برابر اطلاعات مبهم از بردباری و شکیبایی بیشتری برخوردارند. آن‌ها در پی کسب اطلاعات بیشتر برمی‌آیند و می‌خواهند بیشتر درباره آن بیندیشند.
- کسانی که از نظر تصمیم‌گیری به شیوه نظری (تئوریک) عمل می‌کنند؛ دارای دیدگاهی بسیار باز هستند و بسیاری از راه‌حل‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند. آن‌ها به دوره‌های بلندمدت توجه می‌کنند و در امر یافتن راه‌حل‌های ابتکاری و خلاق توانایی بالایی دارند.
- کسانی که در تصمیم‌گیری شیوه رفتاری دارند، با دیگران همکاری می‌کنند، آن‌ها همواره به دستاوردهای همکاران و زیردستان توجه می‌نمایند. پیشنهادها را به خوبی می‌پذیرند و به نتیجه‌ی شوراها و گردهمایی‌ها اهمیت می‌دهند [۵].

ارزش‌های مقدس اخلاقی و تصمیم‌گیری

علم اخلاق به معنی به کارگیری ارزش‌های محوری در روابط بین فردی است [۱۰]. به عبارت دقیق‌تر، علم اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که با ارزش‌های مرتبط با رفتار بشر سروکار دارد، به درست یا غلط بودن اعمال و خوبی یا بدی نیات و نتایج اعمال انسان می‌پردازد [۱۱]. اغلب تئوری‌های اصلی تصمیم‌گیری، از آن به عنوان فرآیندی که نیازمند بده بستان بین ارزش‌ها است، یاد می‌کنند. یک بده بستان را می‌توان به این صورت تعریف کرد: جبران زیان همراه با یک ارزش در برابر یک منفعت همراه با ارزش‌های دیگر. مطابق با تئوری‌های اصلی در تصمیم‌گیری، به منظور دست یافتن به انتخابی که مطلوبیت ذهنی را حداکثر می‌کند، هر نوع ارزش یا ویژگی‌ای می‌تواند بده بستان شود. هر چند تحقیقات متأخر در تصمیم‌گیری، این دیدگاه نسبتاً ساده‌انگارانه را رد کرده است. وظایف تصمیم‌گیری اغلب مشکل درک می‌شوند، مملو از احساسات منفی و استرس‌زا هستند و اینکه مردم اغلب سعی می‌کنند از تصمیم‌گیری اجتناب کنند. ما از تجربیات شخصی خود می‌دانیم که انتخاب‌ها در وزن احساسی و دشواری خود بسیار فرق می‌کنند.

به عنوان مثال، تصور کنید دو مدیر دو شرکت جهانی با مسایل تصمیم‌گیری تقریباً متفاوتی مواجه شده‌اند. یک مدیر با این مشکل روبه‌رو شده که آیا شرایط کاری ضعیف سازمان خود را به دلیل انتقاد سازمان‌های مدافع حقوق بشر ارتقا دهد یا روی تسهیلات تولید به منظور بالا بردن ظرفیت رقابتی خود سرمایه‌گذاری کند. مدیر دیگر باید تصمیم بگیرد که آیا شرایط کاری ضعیف سازمانش را ارتقا دهد یا اینکه مشکلات آلودگی محیط زیست کارخانه‌اش را برطرف کند. این انتخاب‌ها را مقایسه کنید - ارتقای شرایط کاری در برابر ظرفیت رقابتی در یک طرف و ارتقای شرایط کاری در مقابل مسایل زیست محیطی در طرف دیگر - پژوهشگران معتقدند که آن‌ها در در وزن سختی تصمیم و احساسات درک شده با هم متفاوتند. هر دو تصمیم ممکن است در گیر ملاحظات اخلاقی شوند (مثلاً سلامتی انسان‌ها، محافظت از محیط زیست)، اما آن‌ها برحسب چگونگی ارتباط گزینه‌ها با ارزش‌های اخلاقی متفاوتند. در مسئله‌ی تصمیم‌گیری اول فقط یک گزینه با یک ارزش اخلاقی مرتبط است (یعنی ایمنی در کار)، در حالی که در مسئله‌ی دوم با دو ارزش اخلاقی مواجه هستیم (ایمنی در کار و حفاظت از محیط زیست). اما برخی از موقعیت‌های تصمیم‌گیری که هر روز با آن‌ها مواجه می‌شویم؛ حالتی است که با دو ارزش

دنیوی روبه‌رو هستیم. به‌عنوان مثال، انتخاب بین دو پیشنهاد استخدام ممکن است یک بده بستان بین حقوق و فاصله منزل تا محل کار را ایجاد کند [۸].

اغلب مردم اصرار دارند که تعهد آن‌ها به ارزش‌های معین (مثل عشق، افتخار، عدالت و...) قطعی و مصون هستند و در حقیقت مقدسند. آن‌ها تفکر به بده بستان ارزش‌های مقدس با مسایل دنیوی (مثل پول) را عصبانی‌کننده تلقی کرده و تابو می‌دانند. اگرچه، اقتصاددانان اصرار دارند که در دنیای فعلی با کمبود منابع، بده بستان‌های تابو اجتناب‌ناپذیرند. از طرف دیگر، جامعه‌شناسان می‌گویند که مردم اغلب با ایمانی بزرگ اصرار دارند که تعهدات و روابط مشخص، مقدسند و حتی اندیشیدن به بده بستان آن‌ها با ارزش‌های دنیوی مثل پول تکفیر شده است. تلاک و دیگران ارزش‌های مقدس را به این صورت تعریف کرده‌اند: آن ارزش‌هایی که یک جامعه اخلاقی به‌عنوان مفهومی متعالی در نظر می‌گیرد که از مقایسه، بده بستان یا هر گونه اختلاط آن با ارزش‌های دنیوی جلوگیری می‌کند [۱۳].

تصمیم‌گیری، نیاز به دانستن و ارزیابی دلایل موافق و مخالف گزینه‌های متفاوت و با استفاده از این اطلاعات، انتخاب یک گزینه، توصیف شده است. این فرآیند نوعاً شامل بده بستان بین ابعاد چندگانه ارزش و وزن‌دهی ذهنی سود و زیان قابل‌انتظار، است. اغلب مردم این را از طریق تصمیمات روزمره بدون ذره‌ای تلاش زیاد انجام می‌دهند. تصمیمی که نیاز به انتخاب بهترین گزینه بین چند گزینه غیر جذاب است، به‌نوعی سطح بالایی از تشویش در تصمیم‌گیری را ایجاد می‌کند. برای مثال، اغلب مردم وقتی باید بین چند گزینه درمان سرطان یکی را انتخاب کنند یا در مورد اینکه ضایعات اتمی باید در زیر یا بالای زمین نگهداشته شوند، این گونه موقعیت‌ها را آزاردهنده می‌دانند. نه فقط این گونه تصمیمات شامل بده بستان‌های ناآشناست؛ بلکه آن‌ها ممکن است درگیر ملاحظات اخلاقی شوند که انسان‌ها اغلب به فکر کردن درباره‌ی مسایل تابو بی‌میلند [۹].

پژوهش‌ها روی تصمیم‌گیری و قضاوت نشان داده است که مردم اغلب ارزش‌های محافظت‌شده (PV) دارند که ارزش‌های قطعی هستند که مردم آن‌ها را از بده بستان محافظت می‌کنند. علاوه‌بر این، PV ها از اصول اخلاقی پدیدار می‌شوند تا از برآورد هزینه - منفعت. به شکل مهمی، PV ها با تمایل به حذف (ترک فعل) ارتباط دارند، یک گرایش به سمت انجام ندادن در مقابل انجام دادن وقتی که انتخاب باید بین یک عمل مضر

(مثل کشتن افراد) و حذف (انجام ندادن) مضر (مثل اجازه دادن به اینکه کسی بمیرد) باشد. در برخی موارد، افراد اغلب می‌گویند که اعمال مضر از نظر اخلاقی قبیح‌تر از حذف (انجام ندادن) مضر هستند. ریتو و بارون با بیان یک مثال موضوع را تشریح می‌کنند: یک اپیدمی باعث مرگ ۱۰۰۰ بچه خواهد شد و یک واکسن موجود است که از این بیماری جلوگیری می‌کند؛ ولی ممکن است باعث مرگ ۱۰۰ کودک شود. آیا شما از این واکسن استفاده می‌کنید؟ این دو دریافته‌اند که اغلب افراد از چنین بده بستانی اجتناب می‌کنند و نمی‌خواهند باعث مرگ هیچ بچه‌ای شوند [۱۲].

مفهوم ارزش‌های مقدس (یا ارزش‌های محافظت شده) ایجاد شده است تا این ایده را بیان کند که ارزش‌های قطعی و اصول اخلاقی، مطلق و غیر قابل معامله درک می‌شوند و بنابراین از بده بستان با ارزش‌های دیگر در امانند. یک ارزش مقدس را می‌توان به این صورت تعریف کرد: هر ارزشی که یک جامعه اخلاقی به وضوح یا به‌طور ضمنی همیشه به آن عمل می‌کند یا دارای اهمیت بسیاری است که مانع از مقایسه، بده بستان یا ترکیب آن با هر ارزش محدود یا دنیوی می‌شود. ارزش‌هایی مثل حیات بشر، سلامتی، طبیعت، عشق، افتخار، عدالت یا حقوق بشر مطلق و مقدس در نظر گرفته می‌شوند و بده بستان آن‌ها با ارزش‌های دنیوی (مثل پول) تابو است. از نظر برخی پژوهشگران، یک مسئله تصمیم‌گیری ممکن است آسان‌تر درک شود اگر افراد جنبه‌های اخلاقی را برای یک گزینه و نه برای دیگر گزینه‌ها در نظر بگیرند. یعنی تصمیمات آسان‌تر درک می‌شوند، وقتی یکی از گزینه‌ها ارزش‌های مقدس را منعکس می‌کند. ارزش‌های مقدس، مطلق فرض می‌شوند و بنابراین از بده بستان با دیگر ارزش‌ها محافظت می‌شوند؛ زیرا با اصول اخلاقی سروکار دارند. در مقابل، یک مسئله تصمیم‌گیری باید مشکل‌تر و استرس‌زاتر درک شود اگر هر دو گزینه ارزش‌های مقدس را منعکس کنند. چنین موقعیت‌هایی لزوم بده بستان دو ارزش اخلاقی و بنابراین قربانی کردن یکی از آن‌ها را ایجاب می‌کند. دیدگاه‌های اصلی سنتی تصمیم‌گیری این تفاوت‌ها را لحاظ نمی‌کنند. آن‌ها فرض می‌کنند که افراد هر دو مسئله تصمیم را در یک وضعیت عقلایی و غیراحساسی به‌طور مساوی حل می‌کنند و قادرند بین هر ارزشی بده بستان کنند [۸]. ارزش‌های مقدس دلیل مناسبی برای ترجیح یک گزینه خاص فراهم می‌کنند و می‌توانند نوعی قانون ذهنی اخلاقی یا قانون انتخاب، عمل کنند [۷].

مجموعه پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی رعایت اصول اخلاقی انجام شده، بیانگر این مطلب است که به هنگام رعایت اصول اخلاقی، افراد به سه گونه عمل می‌کنند. در واقع سه سطح از اصول اخلاقی وجود دارد که هر یک از دو مرحله تشکیل می‌شود. وقتی فرد از هر مرحله‌ای به مرحله بالاتر گام بگذارد کمتر به نیروهای خارجی توجه کرده و بیشتر به دیدگاه خود توجه می‌نماید. سطح نخست را بندگی یا پیروی محض می‌نامند. در این سطح فرد با توجه به نتایجی که نصیب او خواهد شد، در برابر مفاهیم درست یا غلط، از خود واکنش نشان می‌دهد (برای مثال هنگامی که نوع قضاوت تنبیه یا پاداش در پی داشته باشد). در سطح دوم یعنی عرف، ارزش‌های اخلاقی در حفظ نظم و رسوم متعارف قرار دارد. در سطح سوم یعنی اجتهاد، فرد بین اصول اخلاقی که خود ارایه می‌کند و اختیاراتی که دیگران دارند (اختیارات و اقتدار دیگران یا کل جامعه) فرق قایل می‌شود [۳].

در مقاله‌ی حاضر بر روی مسایل درگیر با ملاحظات اخلاقی تمرکز، و تلاش کرده‌ایم آثار ارزش‌های مقدس را روی سختی و احساسات منفی ناشی از تصمیم‌گیری تعیین کنیم. گفتنی است، در این پژوهش از سه نوع موقعیت تصمیم‌گیری استفاده شده است. ما آثار سه نوع بده بستان مشخص را روی دشواری تصمیم و احساسات بررسی کرده‌ایم: بده بستان تابو (موقعیتی که یک ارزش مقدس را در برابر یک ارزش دنیوی قرار می‌دهد)، بده بستان تراژیک (موقعیتی که دو ارزش مقدس را روبروی هم قرار می‌دهد) و بده بستان عادی (موقعیتی که دو ارزش دنیوی را در برابر هم قرار می‌دهد) که ارزش‌های مقدس و نوع بده بستان متغیرهای مستقل و احساسات منفی و دشواری تصمیم متغیرهای وابسته هستند. در اینجا دشواری تصمیم به عنوان سطح دشواری یا راحتی درک شده از انتخاب بین گزینه‌ها تعریف شده است. مطالعات قبلی انبوهی از عوامل تأثیرگذار بر دشواری تصمیم را شناسایی کرده‌اند. به عنوان مثال، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دشواری تصمیم ممکن است به دامنه انتخاب‌هایی که حاوی ویژگی‌هایی هستند که بده بستان با آن‌ها مشکل است؛ بستگی داشته باشد. برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند که بده بستان‌های مشکل سطوح بالاتری از احساسات منفی و گرایش قوی به اجتناب از چنین بده بستان‌هایی را موجب می‌شود. از این رو سطح احساسات منفی سطح سختی بده بستان را منعکس می‌کند. اگرچه به طور واضحی سنجش نشده است؛ اما پذیرفتنی است فرض اینکه بده بستان‌های دشوار و مملو از احساسات منفی ممکن است دشواری درک شده از تصمیم‌گیری را افزایش دهند.

گفتنی است که این نشان می‌دهد یک رابطه مثبت بین احساسات منفی و دشواری تصمیم وجود دارد. به عبارتی دیگر، تصمیمات همراه با احساسات منفی، دشوار درک می‌شوند. هر چند در مطالعه‌ی فعلی ما تلاش داریم نشان دهیم که در موقعیت بده بستان تابو یک رابطه مثبت بین احساسات منفی و دشواری تصمیم وجود ندارد؛ یعنی با وجود اینکه موقعیت تصمیم‌گیری حاوی احساسات منفی است ولی دشواری آن کمتر است. با وجود احساسات منفی، فرض بر این است که وجود فقط یک ارزش مقدس در بده بستان تابو تصمیم‌گیری را آسان‌تر خواهد کرد. برعکس، انتظار است موقعیت‌های تصمیم‌گیری که لزوم بده بستان دو ارزش مقدس (بده بستان تراژیک) و قربانی کردن یکی از آن‌ها را ایجاب می‌کند؛ با سطوح بالاتری از احساسات منفی و دشواری تصمیم در مقایسه با دیگر وضعیت‌ها روبه‌روست [۸].

اهداف پژوهش

۱. آشنایی با مسایل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری افراد و کمک به توجه بیشتر به اهمیت مقوله تصمیم‌گیری
۲. آگاهی از تأثیر ارزش‌های مقدس روی دشواری تصمیم و احساسات ناشی از تصمیم‌گیری

سؤال‌های پژوهش

۱. وقتی که موقعیت تصمیم‌گیری شامل دو ارزش مقدس (بده بستان تراژیک) است، آیا افراد وظیفه تصمیم‌گیری را نسبت به دو موقعیت دیگر، دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر می‌دانند؟
۲. آیا در وضعیت تابو در مقایسه با وضعیت عادی، وظیفه تصمیم‌گیری حاوی احساسات منفی بیشتری است و دشواری آن کمتر است؟
۳. دانشجویان دختر، بده بستان‌ها را دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر می‌دانند یا دانشجویان پسر؟

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است. ابزار این پژوهش پرسشنامه استاندارد با سؤالات بسته بوده و جامعه‌ی آماری آن دانشجویان رشته‌های مدیریت، علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه گیلان است. حجم جامعه‌ی آماری ۱۰۲۴ نفر بوده که با نمونه‌گیری خوشه‌ای و پس از محاسبات لازم حجم نمونه ۲۸۸ به‌دست آمد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها بین دانشجویان حدود ۲۷۰ پرسشنامه تحویل گرفته و قابل بررسی تشخیص داده شد. از این تعداد ۱۸۴ نفر زن، ۸۴ نفر مرد و ۲ نفر هم نامشخص بودند. دامنه سنی پاسخگویان از ۱۸ تا ۳۹ سال با میانگین ۲۱/۱۸ سال بود. ۱۴۴ نفر از پاسخگویان از رشته مدیریت، ۹۲ نفر از رشته علوم تربیتی و ۳۴ نفر از رشته روان‌شناسی بودند.

به هر یک از پاسخگویان یکی از دو سناریوی ترکیبی A یا B تحویل داده شد که هر سناریوی ترکیبی شامل ۳ بده بستان تابو، تراژیک و عادی است. پاسخگویان سناریوی ترکیبی A، عنوان محافظت در برابر سیل را بده بستان تابو، عنوان ایمنی در کار را بده بستان تراژیک و عنوان پیشنهاد شغلی را بده بستان عادی دریافت کردند، در حالی که پاسخگویان سناریوی ترکیبی B، عنوان ایمنی در کار را بده بستان تابو، عنوان محافظت در برابر سیل را بده بستان تراژیک و عنوان پیشنهاد شغلی را بده بستان عادی دریافت کردند. هر بده بستان انتخاب بین دو گزینه را خواستار است. بعد از هر بده بستان، پاسخگویان باید به سنج ارزش‌های مقدس (SVM) شامل ۴ آیتم ($\alpha=0/66$) پاسخ دهند. این امر برای هر گزینه به‌طور جداگانه انجام می‌شود. سپس پنج سؤال، احساسات منفی مرتبط با وضعیت تصمیم‌گیری را ارزیابی می‌کنند ($\alpha=0/89$). پس از این بخش، آن‌ها باید بین دو گزینه روی یک مقیاس هفت نقطه‌ای از ۱ (کاملاً موافق گزینه ۱) تا ۷ (کاملاً موافق گزینه ۲) انتخاب کنند. سرانجام، پاسخگویان باید دشواری تصمیم درک شده را نیز روی یک مقیاس هفت نقطه‌ای از ۱ (خیلی آسان) تا ۷ (خیلی سخت) نشان دهند. متغیرهای مستقل پژوهش، ارزش‌های اخلاقی و نوع بده بستان و متغیرهای وابسته، دشواری تصمیم و احساسات منفی ناشی از تصمیم‌گیری هستند.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل داده‌های حاصل از ۲۷۰ پرسشنامه تحویل گرفته شده در جدول (۱) آمده است. در این جدول میانگین و انحراف معیار مقیاس‌ها برای ارزش‌های مقدس تاییدی، تصمیم، دشواری تصمیم درک شده و احساسات منفی برای هر سناریو و بده بستان آمده است. همچنین میانگین مقیاس‌ها برای دشواری تصمیم و احساسات منفی به‌عنوان تابعی از نوع بده بستان در نمودار (۲) آمده است. همان‌طور که در شکل مشاهده می‌شود پاسخگویان، بده بستان تراژیک را نسبت به دو بده بستان دیگر دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر می‌دانند. برای پاسخ به سؤاهای پژوهش از آزمون T، استفاده شد. با توجه به نتایج آزمون T در جدول (۲)، می‌توان به سؤال پژوهش پاسخ مثبت داد. میانگین احساس منفی تراژیک به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۴۲$) بیشتر از احساس منفی تابو است. میانگین احساس منفی تراژیک به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۰۰$) بیشتر از احساس منفی عادی است. دشواری تصمیم تراژیک به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۰۰$) بیشتر از دشواری تصمیم تابو است و در نهایت دشواری تصمیم تراژیک به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۰۰$) بیشتر از دشواری تصمیم عادی است.

جواب قسمت اول سؤال دو پژوهش مثبت و جواب قسمت دوم آن منفی است. انتظار این بود که پاسخگویان بده بستان تابو را نسبت به بده بستان عادی آسان‌تر درک کنند؛ ولی حاوی احساسات منفی بیشتر بدانند که با تجزیه تحلیل داده‌ها مشخص شد که پاسخگویان بده بستان تابو را نسبت به بده بستان عادی حاوی احساسات منفی بیشتر و همچنین دشواری بیشتر دانسته‌اند. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین احساس منفی تابو به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۰۰$) بیشتر از احساس منفی عادی است.

همچنین با تجزیه و تحلیل داده‌ها مشاهده شد، میانگین مقیاس‌ها برای دشواری تصمیم و احساسات منفی به‌عنوان تابعی از نوع بده بستان در دانشجویان دختر به‌جز یک مورد از دانشجویان پسر بیشتر است. برای پاسخ به سؤال سه هم از آزمون T استفاده شد. با توجه به جدول (۳) میانگین احساس منفی تراژیک در دختران به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۰۰$) بیشتر از احساس منفی تراژیک در پسران است. میانگین احساس منفی تابو در دختران به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۱۲$) بیشتر از احساس منفی تابو در پسران است. میانگین دشواری تصمیم

عادی در دختران به‌طور معناداری ($p = ۰/۰۴۲$) بیشتر از دشواری تصمیم عادی در پسران است؛ اما در بقیه موارد این اختلاف معنادار نبود.

جدول ۱. میانگین (انحراف معیار) برای ارزش‌های مقدس تأییدی، تصمیم، دشواری تصمیم و احساسات منفی برای هر سناریو

سناریو	ارزش مقدس		تصمیم ^۲	دشواری تصمیم ^۳	احساسات منفی ^۴
	گزینه ۱	گزینه ۲			
بده بستان تابو	۴/۱۷(۱/۶۷)	۳/۹۸(۱/۸۶)	۲/۱۷(۱/۳۱)	۳/۳۹(۱/۴۹)	۳(۱/۴۹)
	۴/۱۵(۱/۵۲)	۳/۹۴(۱/۶۱)	۳/۳۷(۱/۶۸)	۴/۴۱(۱/۳۳)	۳/۴۶(۱/۵۳)
بده بستان تراژیک	۴/۲۱(۱/۶۷)	۳/۹۲(۱/۶۷)	۲/۹۷(۱/۷)	۴/۲۵(۱/۴۶)	۳/۱۱(۱/۵۹)
	۴/۲۶(۱/۶۵)	۴/۲۴(۱/۶۴)	۳/۲۳(۱/۶۸)	۴/۵۵(۱/۶۱)	۳/۶(۱/۷۲)
بده بستان عادی	۴(۱/۷۲)	۳/۸۶(۱/۶۵)	۲/۸۸(۱/۷۶)	۳/۲۵(۱/۵۱)	۲/۶۱(۱/۵۳)

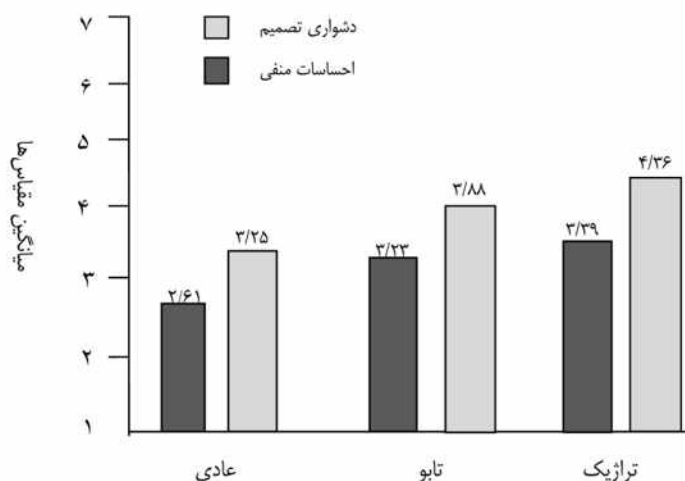
نکته. همه‌ی مقیاس‌ها ۷ نقطه‌ای هستند.

۱. هرچه امتیاز بالاتر باشد، گزینه اخلاقی‌تر است.

۲. هرچه امتیاز کمتر باشد، ترجیح بیشتر به سمت گزینه ۱ بوده است.

۳. هرچه امتیاز بالاتر باشد، سطح بالاتری از دشواری تصمیم درک شده است.

۴. هرچه امتیاز بالاتر باشد، سطح بالاتری از احساسات منفی وجود داشته است.



نمودار ۲. میانگین مقیاس‌ها برای دشواری تصمیم و احساسات منفی به‌عنوان تابعی از نوع بده بستان

جدول ۲: نتایج آزمون T

فرضیه	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	t-value	درجه آزادی	معناداری
احساس منفی تراژیک	۳/۳۹	۱/۶۵	۰/۱۶	۲/۰۴	۲۶۷	۰/۰۴۲
احساس منفی تابو	۳/۲۳	۱/۵۱				
احساس منفی تراژیک	۳/۳۹	۱/۶۵	۰/۷۸	۹/۶۷	۲۶۷	۰/۰۰۰
احساس منفی عادی	۲/۶۱	۱/۵۳				
دشواری تصمیم تراژیک	۴/۳۶	۱/۵۳	۰/۴۸	۵/۰۴	۲۶۶	۰/۰۰۰
دشواری تصمیم تابو	۳/۸۸	۱/۴۱				
دشواری تصمیم تراژیک	۴/۳۶	۱/۵۳	۱/۱۱	۱۱/۶۷	۲۶۶	۰/۰۰۰
دشواری تصمیم عادی	۳/۲۵	۱/۵۱				
احساس منفی تابو	۳/۲۳	۱/۵۱	۰/۶۲	۹/۰۴	۲۶۹	۰/۰۰۰
احساس منفی عادی	۲/۶۱	۱/۵۳				

جدول ۳: نتایج آزمون T

فرضیه	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	t-value	درجه آزادی	معناداری
احساس منفی تراژیک در دختران	۳/۵۱	۱/۳۵	۰/۴۵	۴/۵۸	۱۸۲	۰/۰۰۰
احساس منفی تراژیک در پسران	۳/۰۶	۱/۱۷				
دشواری تصمیم تراژیک در دختران	۴/۴	۱/۵۶	۰/۱۵	۱/۲۵	۱۸۱	۰/۲۱
دشواری تصمیم تراژیک در پسران	۴/۲۵	۱/۵۴				
احساس منفی تابو در دختران	۳/۲۹	۱/۱۳	۰/۲۱	۲/۵۵	۱۸۳	۰/۰۱۲
احساس منفی تابو در پسران	۳/۰۸	۱/۱۳				
دشواری تصمیم عادی در دختران	۳/۳۳	۱/۵۸	۰/۲۴	۲/۰۵	۱۸۰	۰/۰۴۲
دشواری تصمیم عادی در پسران	۳/۰۹	۱/۳۲				
احساس منفی عادی در دختران	۲/۶۳	۱/۲۹	۰/۰۷	۰/۸۱	۱۸۱	۰/۴۲
احساس منفی عادی در پسران	۲/۵۶	۱/۲۳				

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگران همواره به مقوله‌ی تصمیم‌گیری، عوامل تأثیرگذار بر آن و نتایج اتخاذ تصمیم علاقه نشان داده‌اند. شناسایی تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر تصمیم‌گیری، دشواری تصمیم و احساسات منفی ناشی از آن مواردی بوده‌اند که در این مقاله بدان پرداخته شده است. همانگونه که بیان شد، پاسخگویان بده بستان تراژیک را نسبت به دو بده بستان دیگر دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر دانسته‌اند. این نتیجه را می‌توان از این منظر تحلیل کرد که در بده بستان تراژیک دو ارزش اخلاقی روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند که یکی باید فدای دیگری شود، از این‌رو احساس منفی ناشی از تصمیم‌گیری پاسخگویان در این موقعیت از دو موقعیت بده بستان تابو و عادی بیشتر است. در رابطه با دشواری تصمیم هم نتیجه مشابهی به‌دست آمده است، یعنی افراد بده بستان تراژیک را دشوارتر از دو بده بستان دیگر درک کرده‌اند. نتیجه کاربردی این گفتار این است که در سازمان‌ها سازوکارهای تصمیم‌گیری باید به گونه‌ای ساماندهی شود که در فرآیند تصمیم‌گیری دو ارزش اخلاقی مقابل هم قرار نگیرند. به عبارت دیگر باید این ایده تقویت شود که تصمیم‌گیری در سازمان‌ها به سمت و سویی میل کند که افراد کمتر مواجه با حالتی شوند که از بین دو ارزش اخلاقی یکی را انتخاب کرده، دیگری را فدا کنند؛ زیرا در این حالت تصمیم‌گیرنده هم دچار دشواری تصمیم می‌شود و هم دچار احساس منفی ناشی از تصمیم که هر دوی این حالات، تصمیم‌گیری را دچار تعارض کرده و از کارایی آن می‌کاهد.

دومین موضوعی که به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان به آن اشاره کرد این است که پژوهشگران معتقدند از آنجا که در بده بستان تابو، یک گزینه اخلاقی در مقابل یک گزینه دنیوی قرار می‌گیرد، افراد با توجه به ملاحظات اخلاقی بلافاصله گزینه اخلاقی را انتخاب کرده و این انتخاب دشواری کمتری برای آن‌ها دارد [۸]. در حالی که در این پژوهش این اتفاق نیفتاده است. یعنی پاسخگویان بده بستان تابو را نسبت به بده بستان عادی دشوارتر درک کرده‌اند. این پیام خوشایندی نیست که پاسخگویان بده بستان تابو را دشوارتر از بده بستان عادی تلقی کنند. نتیجه کاربردی این گفتار این است که باید در جامعه و به تبع آن در سازمان‌ها، آموزش‌های اخلاقی عملی جایگزین آموزش‌های صرفاً نظری شود تا تصمیم‌گیرنده در انتخاب گزینه اخلاقی در مقابل گزینه دنیوی، دشواری کمتری احساس کند.

در همین خصوص و در مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش مشابه می‌توان گفت که در آن پژوهش پاسخگویان بده بستان تابو را نسبت به بده بستان عادی آسان‌تر ولی دارای احساسات منفی بیشتر دانسته‌اند؛ اما همان‌گونه که مشاهده شد در این پژوهش، بده بستان تابو نسبت به بده بستان عادی حاوی احساسات منفی بیشتر و نیز دشوارتر درک شده است که این موضوع از ابعاد گوناگون اجتماعی باید مورد مذاقه قرار گیرد. در باب بده بستان تراژیک، هر دو پژوهش نتایج یکسانی داشته‌اند؛ یعنی بده بستان تراژیک دشوارتر و حاوی احساسات منفی بیشتر درک شده است.

در پایان و به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت، ارزش‌های مقدس می‌توانند نقش مشخصی در تصمیم‌گیری بازی کنند؛ زیرا افراد از بده بستان آن‌ها با ارزش‌های دیگر اجتناب می‌کنند. با معرفی نقش ارزش‌های مقدس و بی‌میلی به بده بستان، ما بر این عقیده-ایم که یافته‌های پژوهش در رشد پژوهش‌های مربوط به ذهنیات اخلاقی مشارکت مهمی دارد. البته، پژوهش‌های آینده باید بررسی بیشتری روی چگونگی تأثیر ارزش‌های مقدس بر فرآیند تصمیم‌گیری انجام دهند و با توجه به کمبود پژوهش‌ها مرتبط با مسایل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری در کشور ما، لازم است بررسی بیشتری در این باره مثلاً در سطوح مدیریتی سازمان‌های ایرانی انجام گیرد.

منابع

۱. استونر جیمز، فریمن ادوارد، گیلبرت دانیل (۱۳۸۲). مدیریت، ترجمه پارسایان علی، اعرابی محمد، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
۲. حکیمی‌پور ابوالقاسم (۱۳۷۶). تصمیم‌گیری در مدیریت کاربرد فرضیه زنجیره‌های مارکوف در تصمیم‌گیری مدیریت، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۳. رابینز استیفن (۱۳۸۶). مبانی رفتار سازمانی، ترجمه پارسایان علی، اعرابی محمد، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ نوزدهم.
۴. سعادت اسفندیار (۱۳۷۲). فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. موسوی سعید (۱۳۸۴). چارچوبی نظری برای ثمربخشی تصمیم‌گیری در سازمان‌های ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران.
۶. هادی‌زاده مقدم اکرم، طهرانی مریم (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مدیران در سازمان‌های دولتی، نشریه مدیریت دولتی؛ ۱(۱): ۱۲۳ - ۱۳۸.
7. Haidt J (2001). The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological Review*; 108: 814-834.
8. Hanselmann M, Tanner C (2008). Taboos and conflicts in decision making: Sacred values, decision difficulty, and emotion. *Judgment and Decision Making*; 3(1): 51-63.
9. Lichtenstein S, Gregory R, Irwin, J (2007). What's bad is easy: Taboo values, affect, and cognition. *Judgment and Decision Making*, 2: 169-188.
10. Linzer N (1999). *Resolving ethical dilemmas in social work practice*. Boston: Allyn and Bacon.
11. Random House Inc (1987). *Webster's Unabridged Dictionary of the English Language*. New York.

- 12 . Tanner C, Medin D. L (2004). Protected values: No omission bias and no framing effects. *Psychonomic Bulletin & Review*; 11: 185-191.
- 13 . Tetlock, P. E (2003). Thinking the unthinkable: Sacred values and taboo cognitions. *Trends in Cognitive Sciences*; 7: 320-324.